

- Gladstein, D.L. (1984). Groups in context: a model of task group effectiveness. *Administrative Science Quarterly*, 29 (4), 499–517.
- Green, P.C. (1999). *Building Robust Competencies*. Jossey-Bass, California.
- Huang, J.W., Li, Y.H. (2009). The mediating effect of knowledge management on social interaction and innovation performance. *International Journal of Manpower*, 30 (3), 285–301.
- Katila, R., Ahuja, G. (2002). Something old, something new: a longitudinal study of search behaviour and new product introduction. *The Academy of Management Journal*, 45 (6), 1183–1194.
- Katou, A., Budhwar, P. (2007). The effect of human resource management policies on organizational performance in Greek manufacturing firms. *Thunderbird International Business Review*, 49 (1), 1–35.
- Kiessling, T., Richey, R.G. Meng, J., Dabic, M. (2009). Exploring knowledge management to organizational performance outcomes in a transitional economy. *Journal of world business*, 44 (4), 421–433.
- Kirkpatrick, S.A., Locke, E.A. (1991). Leadership: do traits matter?, *The Academy of Management Executive*, 5 (2), 48–60.
- Kotlarsky, J., Oshri, I. (2005). Social ties, knowledge sharing and successful collaboration in globally distributed system development projects. *European Journal of Information Systems*, 14 (1), 37–48.
- Kotter, J.P. (1990). *What leaders really do*. Harvard Business School Press, Boston, Massachusetts.
- Lakshman, C. (2007). Organizational knowledge leadership: a grounded theory approach. *Leadership and Organization Development Journal*, 28 (1), 51–75.
- Lee, J.C., Lee, S., Kang, I.W. (2005). KMPI: measuring knowledge management performance. *Information Management*, 42 (3), 469–482.
- Levinthal, D.A., March, J.G. (1993). The myopia of learning. *Strategic Management Journal*, 14(3), 95–112.
- Liebowitz, J. (2000). *Building organizational intelligence: a knowledge management primer*. CRC Press, Boca Raton, Florida.
- Lin, H.F., Lee, G.G. (2005). Impact of organizational learning and knowledge management factors on e-business adoption. *Management Decision*, 43 (2), 171–188.
- Malhotra, Y. (2000). *Knowledge management and new organization forms: a framework for business model innovation*. *Information Resources Management Journal*, 13 (1), 5–14.
- Morgan, J. (2007). *Customer information management (CIM): the key to successful CRM in financial services*. *Journal of Performance Management*, 20 (2), 47–65.

- Nonaka, I., Takeuchi, H. (1995). *The knowledge-creating company-how Japanese companies create the dynamics of innovation*. Oxford University Press, New York,
- Rasmus, D. (2000). *Knowledge management's role in a merger*. *Knowledge Management Review*, 3 (4), 30–32.
- Revilla, E., Rodríguez-Prado, B., Prieto, I. (2009). *Information technology as knowledge management enabler in product development: empirical evidence*. *European Journal of Innovation Management*, 12 (3), 346–363.
- Rowley J. E. (2002). *Reflections on Customer Knowledge Management in e-Business*. *Qualitative Market Research: An International Journal*, 5(4) , 268-280.
- Shi, J., Yip, L. (2007). *Driving innovation and improving employee capability: the effect of customer knowledge sharing on CRM*. *The Business Review*, 7(1), 107–112.
- Skyrme, D. (2000). *Developing a knowledge strategy: from management to leadership*. In: Morey, D., Thuraisingham, B. (Eds.), *Knowledge Management. Classic and Contemporary Works*. MIT Press, Cambridge, Massachusetts,
- Solomom, C. (2001). *Managing virtual teams*. *Workforce*, 80 (6), 60–65.
- Srisa-ard, S. (2006). *Knowledge management for teams and projects*. *Online Information Review*, 30 (3), 320–321.
- Stefanou, C.J. (2003). Sarmaniotis, C., Stafyla, A., *CRM and customer-centric KM: an empirical research*. *Business Process Management Journal*, 9 (5), 617–634.
- Stogdill, R.M. (1974). *Handbook of leadership*. Free Press, New York, *A survey of theory and research*,
- Von Krogh, G. (2002). *The communal resource and information systems*. *The Journal of Strategic Information Systems*, 11 (2), 85–107.
- Vroom, V.H., Jago, A.G. (1988). *The new leadership: managing participation in organizations*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey,
- Yang, L.R., Fah Huang, Ch., Jui Hsu, T., Brenner, W. (2014). *Knowledge leadership to improve project and organizational performance*. *International Journal of Project Management*, 32(2), 40–53.

# رابطه هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان دانشگاه های ابهر و خرمدره

دکتر قربان فتحی<sup>۱</sup>، دکتر جعفر پویامنش<sup>۲</sup>

## چکیده:

پژوهش حاضر به منظور «بررسی رابطه هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان دانشگاههای ابهر و خرمدره» انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای ۷۰ نفر از بین کارمندان انتخاب شدند و پرسشنامه های هوش معنوی، بهزیستی روان شناختی، شادکامی که دارای اعتبار و روایی مناسب بودند توسط آزمودنیها تکمیل شد و داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های آماری همبستگی پیرسون، رگرسیون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی،

---

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زنجان، ایران - و نویسنده مسئول Email: fathi4468@yahoo.com

<sup>۲</sup>. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زنجان، ایران

۱۲۴ / رابطه هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان دانشگاه های ابرهر و خرمدره

بهزیستی روان شناختی با شادکامی رابطه معنی داری وجود دارد ( $\alpha=0/05$ ). همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بهزیستی روان شناختی ۷۳ درصد و هوش معنوی ۲۱ درصد، شادکامی را پیش بینی نموده است.

**واژه های کلیدی:** هوش معنوی، بهزیستی روان شناختی، و شادکامی.

## مقدمه

هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پر تو توجه و علاقه جهانی روانشناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شد و توسعه پیدا کرد (ولمن، ۲۰۰۱). هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را در یک سازه جدید ترکیب می‌کند و به عنوان ظرفیت انسان برای پرسیدن سوالهای نهایی در مورد معنای زندگی و تجربیات همزمان و ارتباط یکپارچه بین ما و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم تعریف شده است (باقری و همکاران، ۱۳۹۰). زوهار و مارشال<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقدند که هوش معنوی موجب می‌شود فرد در برابر رویدادها و مشکلات زندگی، بینشی عمیق بیابد و از سختیهای زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده و راه‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. در حقیقت هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار سبب خود آگاهی و بینش عمیق فرد نسبت به زندگی و هدفدار نمودن آن می‌شود و همین موجب سازگاری فرد با محیط شده است که این سازگاری نیز به نوبه خود موجب افزایش و ارتقاء سلامت روان می‌شود (فرح بخش و همکاران، ۱۳۸۴).

به عقیده وونگ (۲۰۱۰) شادکامی از جمله متغیرهای اثر گذار بر زندگی آدمی است و به عنوان مهم‌ترین جزء کیفیت زندگی وی به شمار می‌رود و تا جایی که می‌توان ادعا کرد همه تلاشهای انسان برای دستیابی به شادی است. عطاری (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی نشان داد که شادکامی می‌تواند کیفیت

---

<sup>1</sup>Zohar, D. and L. Marshall

زندگی را پیش‌بینی کند و یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء کیفیت زندگی است. از سویی دیگر یکی از پیش‌متغیرهای پیش‌بینی‌کننده شادی معنویت است (دینر و همکاران، ۲۰۰۲).

لکس (۲۰۰۶) در تحقیقات خود نشان داد که مذهب و شادکامی دارای رابطه مثبت می‌باشند. شادکامی مربوط به چگونگی ارزیابی افراد از زندگی است (لکس، ۲۰۰۶). زمانی فرد دارای بهزیستی روانی بالاست که رضایت از زندگی را به وفور تجربه کند و به طور نادر هیجان‌ناامد ماندگرم و اضطراب را تجربه کند (دینر، ۲۰۰۰). با توجه به تحقیقات و مطالعات موجود، اهمیت مذهب و نقش آن در زندگی افراد به وضوح نشان داده شده است، همچنین نقش شادی و شاد زیستن در کیفیت زندگی و سلامت افراد جامعه، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و از آنجایی که قشر کارمندان در ساختن هر کشوری نقش اساسی دارند لذا بیشتر باید مورد توجه و بررسی قرار گرفته و زمینه‌های بهبود شادکامی آنان را ایجاد نمود.

روان‌شناسی مثبت یکی از شاخه‌های بدیع روان‌شناسی است که اخیراً با به عرصه وجود نهاده و افق تازه‌ای را پیش روی روان‌شناسان و پژوهشگران گشوده است در این نوع روان‌شناسی به جای تأکید بر شناسایی و مطالعه کمبودهای روانی و کاستی‌های رفتاری و ترمیم و درمان آن به شناخت و ارتقاء و وجوه مثبت و نقاط قوت می‌شود. این شاخه، طیف وسیعی از مفاهیم روان‌شناختی از جمله مفهوم شادکامی را در بر می‌گیرد. گرچه این مفهوم از دیر باز مورد توجه بوده است. لیکن مطالعه علمی آن اخیراً توسط روان‌شناسان آغاز شده است (آراگیل، ۲۰۰۱)، به نقل از پاییزی و همکاران (۱۳۸۶) شادکامی عبارت است از مقدار ارزش مثبتی که یک فرد برای خود قائل است (والیوس، ۲۰۰۳). این سازه دو جنبه دارد، یکی عوامل عاطفی که نمایانگر تجربه هیجانی شادکامی، سرخوشی و هیجان‌ناامد مثبت هستند و دیگری ارزیابی شناخت رضایت از قلمروهای مختلف زندگی که بیانگر شادکامی و بهزیستی روانی است (ادوارد، ۲۰۰۳) شادکامی نشانه فقدان افسردگی نیست بلکه نشان دهنده وجود شماری از حالت‌های شناختی و هیجانی مثبت است (علی‌پور و آگاه‌هریس، ۱۳۸۶)، به نقل از حسینی (۱۳۸۹) وجود شادی می‌تواند بر بسیاری از مسائل انسانی تأثیر بگذارد که یکی از این مسائل مهم، بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. در دهه گذشته ریف و همکارانش الگوی بهزیستی روان‌شناختی ۱ یا بهداشت روانی مثبت را ارائه کردند. براساس الگوی ریف بهزیستی روان‌شناختی از ۶ عامل تشکیل می‌شود پذیرش خود (۲) داشتن نگرش مثبت به خود، رابطه‌ی مثبت با دیگران (۳) خود

1. Psychological Well - being

2. Self - acceptance

3. positive relation with other

مختاری ۱ زندگی هدفمند ۲ تسلط بر محیط ۳ و رشد شخصی ۴، الگوی ریف به طور گسترده در جهان مورد توجه قرار گرفته است (چانگ و چن ۵، ۲۰۰۵ به نقل از عابدی قلیچ، ۱۳۹۲). دولان، ۲۰۰۴ به نقل از عابدی، ۱۳۹۲) طی مطالعات خود به این نتیجه رسید که شادکامی بیشتر با سلامتی بهتر در ارتباط است و لارسون (۲۰۰۰، به نقل از عابدی، ۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داد که آموزش می تواند سلامت جسمانی و بهزیستی روان شناختی را بهبود بخشد. نقش معنویت در سلامت روان و شادکامی از قدیم مورد توجه بوده است. پیامبران الهی در صحف قدیم، عهد جدید و قرآن کریم به نقش اساسی معنویت در فلاح و رستگاری انسانها اشاره نموده اند (غباری بناب، ۱۳۸۸). سازه هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیوتز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط آموزن مطرح شد (زارع ۱۳۹۰). هوش معنوی، موضوع جالب و جدیدی است که مطالب نظری و نیز بافتهای پژوهشی و تجربی درباره آن بسیار اندک است اخیراً این موضوع نظر بسیاری از صاحب نظران و محققان را به خود جلب کرده است (مایک، ۲۰۰۶). معنویت، هوش است که توسط آن نیازها شناسایی و بیان می شوند و مشکلات با معنا و ارزشمند حل می شوند و با استفاده از آن خواهند توانست اعمال و کیفیت زندگی را در بافتی که از لحاظ معنا دهی غنی تر و وسیع تر باشد قرار داده و بر کمک آن سنجیده می شود یک روش و یک راه که از دیگر روشها با معنی تر و هدفمندتر است (زهر و مارشال، ۲۰۰۰). هوش معنوی به ارزشها و کیفیتها به روشی که به عملکرد خوب روزانه و بهزیستی روان شناختی دست یابند به کار می برند که شامل پنج حوزه: هوشیاری لطف حق، معنا و حقیقت جویی است (آمرام و درایر، ۲۰۰۷).

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که هوش معنوی موجب افزایش عملکرد و بهزیستی روانی افراد می شود و به نظر می رسد که هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی و شادکامی کارکنان دانشگاه ها نیز تأثیر گذار می باشد و این پژوهش بر آن است که این ادعا را مورد بررسی قرار دهد. پس سوال اصلی پژوهش حاضر این است آیا هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان دانشگاه های ابهر و خرمدره ارتباط دارد. در این راستا فرضیه های زیر مورد ازمون قرار گرفتند.

- بین بهزیستی روانشناختی با شادکامی کارمندان ارتباط معنی داری وجود دارد.
- بین هوش معنوی با شادکامی کارمندان ارتباط معنی داری وجود دارد.

- هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی، شادکامی کارمندان را پیش بینی می کند.

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و روش همبستگی بود. در تحقیق همبستگی دو یا چند دسته اطلاعات مربوط به یک گروه یا چندگروه را در اختیار داریم. این روش برای مطالعه میزان تغییرات در یک یا چند عامل می باشد و صرفاً درجات همبستگی این متغیرها بررسی می شود.

جامعه تحقیق کلیه کارمندان دانشگاه های ابهر و خرمدره بودند و نمونه مورد مطالعه در تحقیق حاضر ۷۰ نفر از کارمندان بودند که به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده و از دانشگاه ها یابند و شهر کارمندان دانشگاه آزاد و پیام نور بعنوان نمونه انتخاب شدند.

## ابزار های پژوهش

مقیاس بهزیستی روان شناختی : این مقیاس را ریف در سال ۱۹۸۰ طراحی کرد. در این پژوهش از فرم ۸۴ سوالی استفاده گردیده است. مقیاس های بهزیستی روان شناختی دارای ۴ خرده آزمون پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خود مختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. روایی و پایایی مقیاس های بهزیستی روان شناختی در پژوهش های متعددی مناسب گزارش گردیده است. در پژوهش ریف (۲۰۰۲) ضریب همسانی درونی مقیاس ها را بین ۰.۸۶ تا ۰.۹۳ یافته است. بیانی، گودرزی و محمد کوچکی (۱۳۸۷)، در پژوهش خودهمسانی درونی مقیاس های بهزیستی روان شناختی را بین ۰.۸۹ تا ۰.۹۰ گزارش کرده اند.

پرسشنامه هوش معنوی کیننگ: این پرسشنامه توسط کیننگ (۲۰۰۸) ساخته شده است و دارای ۲۴ ماده می باشد و از ۴ بعد تشکیل شده است که این ابعاد عبارتند از: تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی، بسط حالت هشیاری. نمره کل پرسشنامه بابر مجموع نمرات ابعاد پرسشنامه می باشد. هرچه نمره کل فرد بیشتر باشد فرد از هوش معنوی بیشتری برخوردار است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تنصیف ۰/۸۴ به دست آمد. در یک مطالعه دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد شده نیز ۰/۹۲ به دست آمد (کیننگ، ۲۰۰۸).

۲ پرسشنامه شادکامی آکسفورد: برای بررسی وضعیت شادکامی از پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده می شود این آزمون (OHI) دارای ۲۹ ماده است و میزان شادکامی فردی را می سنجد. این آزمون در سال ۱۹۸۹ توسط مایکل آرگایل و بر اساس پرسشنامه افسردگی بک ساخته شده است. ۲۱



عبارت آن از (BDI) گرفته شده و معکوس گردیده و یازده پرسش به آن اضافه شده تا سایر جنبه های سلامت ذهنی را پوشش دهد. آرگایل و همکاران (۱۹۸۹) پایایی پرسشنامه ی آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۹۰ درصد و پایایی بازآزمایی آن را طی هفت هفته ۷۸ درصد گزارش کرده اند. روایی همزمان این پرسشنامه با استفاده از ارزیابی دوستان افراد درباره ی آن ۴۳ درصد محاسبه شد. روش آماری و تجزیه و تحلیل داده ها با توجه به روش تحقیق که از نوع همبستگی می باشد برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی (میانه - میانگین و انحراف استاندارد، دامنه تغییرات برای تحلیل توصیفی داده ها) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

### یافته های پژوهش:

فرضیه اول: بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان ارتباط دارد. جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی

شادکامی	بهزیستی		
۱	۰/۶۰ (**)	همبستگی پیرسون	بهزیستی
	۰/۰	معناداری	
۷۰	۷۰	تعداد	
۰/۶۰ (**)	۱	همبستگی پیرسون	شادکامی
۰/۰		معناداری	
۷۰	۷۰	تعداد	

همانطور که جدول فوق نشان می دهد مقدار  $(T=۰/۰۶)$  و  $\alpha=۰/۰۰$ . نتایج حاکی از آن است که بین بهزیستی روان شناختی و شادکامی همبستگی معناداری مشاهده می شود، یعنی با توجه به اینکه

۱۳۰ / رابطه هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی با شادکامی کارمندان دانشگاه های ابهر و خرمدره

$\alpha$  بدست آمده از  $\alpha=0/05$  کوچکتر است، پس ضریب همبستگی در سطح آزمون  $\alpha=0/05$  معنی دار است. این همبستگی در حد بالایی است.

**فرضیه دوم: هوش معنوی با شادکامی کارمندان ارتباط دارد.**  
جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی

شادکامی	هوش معنوی		
۱	۰/۷۶۸(**)	همبستگی پیرسون	هوش معنوی
	۰/۰	معناداری	
۷۰	۷۰	تعداد	
۰/۷۶۸(**)	۱	همبستگی پیرسون	شادکامی
۰/۰		معناداری	
۷۰	۷۰	تعداد	

همانطور که جدول فوق نشان می دهد مقدار (  $I= 0/768$  ) و  $\alpha=0/00$ . نتایج حاکی از آن است که بین هوش معنوی و شادکامی همبستگی معناداری مشاهده می شود، یعنی با توجه به اینکه  $\alpha$  بدست آمده از  $\alpha=0/05$  کوچکتر است، پس ضریب همبستگی در سطح آزمون  $\alpha=0/05$  معنی دار است. این همبستگی در حد بالایی است.

**فرضیه سوم:** هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی، شادکامی کارمندان را پیش بینی می کند. در ابتدا به وسیله ی آزمون کولموگروف-اسمیرنوف از نرمال بودن متغیرهای هوش معنوی و شادکامی کارمندان و بهزیستی روان شناختی اطمینان حاصل می شود.

هوش معنوی	شادکامی	بهزیستی	
۷۰	۷۰	۷۰	تعداد
۵۷/۵۵۷۱	۷۴/۲۴۲۹	۳۱۱/۲۰۰۰	میانگین پارامتر های نرمال
	۱۴/۴۵	۱۴/۱۹	انحراف استاندارد
۰/۰۶۱	۰/۰۵۸	۰/۱۳۴	کولموگروف- اسمیرنوف
۰/۲۰۰ <sup>c,d</sup>	۰/۲۰۰ <sup>c,d</sup>	۰/۰۰۳ <sup>c</sup>	سطح معناداری

پس با توجه به جدول آزمون و فرض نرمال بودن سه متغیر هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی و شادکامی کارمندان در سطح معناداری ۰۰۵ رد نمی‌شود. بنابر این استفاده از تحلیل رگرسیون بلا مانع است. در جداول زیر خروجی تحلیل رگرسیونی دیده می‌شود:

مدل	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۹۰۰ <sup>a</sup>	۰/۸۱۱	۰/۸۰۵	۶/۰۷۹۴۴

مدل	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	Sig.
رگرسیون	۱۰۶۱۴/۵۷۷	۲	۵۳۰۷/۲۸۸	۱۴۳/۵۹۷	۰/۰۰۰ <sup>b</sup>
باقیمانده	۲۴۷۶/۲۹۴	۶۷	۳۶/۹۶۰		
کل	۱۳۰۹۰/۸۷۱	۶۹			

مدل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig.
ثابت	۷/۱۷۲	-۲۵/۶۷۲	-۳/۵۸۰	۰/۰۰۱
بهزیستی کل	۰/۰۳۲	۰/۲۸۴	۸/۵۸۱	۰/۰۰۰
هوش معنوی	۰/۰۷۹	۰/۲۰۱	۲/۵۵۱	۰/۰۱۳

با استفاده از روش Enter، مدل معنی داری به دست آمد. ( مجذور R تعدیل شده = ۰/۸۰۵ و مقدار معنی داری کمتر از ۰/۰۰۵ و  $F_{2,67} = 143/597$ ). این مدل ۸۰/۵ درصد از واریانس مدل را توجیه می کند همانطور که در جدول تحلیل واریانس مشاهده می شود، در مدل ارائه شده مقدار F محاسبه شده (۵۹۷/ ۱۴۳) از مقدار F جدول بزرگتر می باشد ( $F_{ob} > F_{er}$ )، همچنین در جدول ضرایب هر دو متغیر بهزیستی روانشناختی و هوش معنوی معنی دار هستند.

جدول ۱۵: پیش بینی شادکامی توسط هوش معنوی و بهزیستی روان شناختی

متغیر	B	SE B	$\beta$
بهزیستی روانشناختی	۰/۲۸۴	۰/۰۳۲	۰/۷۲۹**
هوش معنوی	۰/۲۰۱	۰/۰۷۹	۰/۲۱۰*

\*\*معنی داری در سطح ۰/۰۱ \* معنی داری در سطح ۰/۰۵

همانطور که در جدول بالا نشان می دهد، متغیرهای بهزیستی روانشناختی و هوش معنوی معنی دار هستند و با توجه به مقدار استاندارد شده Beta می توان گفت هر واحد تغییر در بهزیستی روانشناختی موجب ۰/۷۲۹ تغییر و هر واحد تغییر در هوش معنوی موجب ۰/۲۱۰ تغییر در متغیر شادکامی می شود. ضرایب Beta استاندارد در واقع اهمیت هر کدام از متغیرها در مدل را نشان می دهد. معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ درصد بیان کننده این است که ضرایب متغیرها صفر نیستند و در مدل رگرسیونی تأثیر گذارند. بنابراین مدل رگرسیون چندگانه بصورت زیر خواهد بود:

$$y = -25.672 + 0.284X_1 + 0.201X_2 + e$$

نتایج تحلیل رگرسیون نشان دهنده معنی داری رگرسیون می باشد با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ است نتیجه می گیریم این رگرسیون معنی دار است.

## بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل همبستگی نشان می دهد که مقدار همبستگی هوش معنوی با شادکامی از نظر آماری معنی دار می باشد ( $p < 0.01$ ). به عبارتی دیگر متغیر پیش بین (مؤلفه های هوش معنوی) توانسته است در کانون اول ۷۰ درصد، در کانون دوم ۲۳ درصد و در کانون سوم ۹ درصد واریانس متغیر شادکامی را تبیین کنند.

نتایج بدست آمده در راستای پژوهشهای لشنی و سعادت (۱۳۹۱)، دستغیب و همکاران (۱۳۹۱)، باقری و همکاران (۱۳۹۰)، رجایی (۱۳۹۰)، ربیعی و همکاران (۱۳۹۰)، مظفری (۱۳۸۷)، حاجی زاده و همکاران (۱۳۸۹)، یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷)، تحقیقات دینرا و همکاران (۲۰۱۱)، کپینگ وزین (۲۰۰۹) کندا و همکاران (۲۰۰۶)، مایرز (۲۰۰۱) و کوهن (۲۰۰۵) می باشد.

در تبیین نتیجه بدست آمده می توان گفت که هوش معنوی تأثیر مثبتی در معنادار کردن زندگی دارند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل زای زندگی، بهره مندی از حمایت های اجتماعی و معنوی و... همگی از جمله روش هایی هستند که افراد با دارا بودن هوش معنوی می توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند. افرادی که اعتقادات مذهبی قوی تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت های فشار زا دارند. هنگام بیماری سریع تر از افراد غیر مذهبی بهبود پیدا می کنند. میزان پایین تری از هیجانات منفی و افسردگی را تجربه می کنند، از عملکرد تحصیلی و حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند و اضطراب کمتری دارند. مذهب، بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده می کند و خلاءهای اخلاقی، عاطفی و معنوی او را پر می کند، امید و قدرت را در فرد تحکیم نموده و، خصوصیات اخلاقی، معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده، پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات و مصائب و محرومیت های زندگی ایجاد می کند (عنصری، ۱۳۸۶). هر چه انسان خود را با منبعی نزدیک تر حس کند، امید، نشاط، عواطف و هیجانات مثبت بیشتری احساس کرده و در نتیجه از استرس، بی خوابی و افسردگی دور می شود. شادی یکی از این هیجان هاست که دامنه وسیعی از کنش های عاطفی از احساس آرامش گرفته تا احساس لذت و خلسه را شامل می شود. در شادکامی، ارزشیابی افراد از خود و زندگی شان می تواند، جنبه های شناختی، مثل قضاوت در مورد خشنودی از زندگی و یا جنبه های هیجانی از جمله خلق یا عواطف، در واکنش به رویدادهای زندگی را در برگرد.

بنابراین هوش معنوی از آن جهت که با نگرشها و نظام ارزشی فرد در ارتباط است و سطوح بالای آن برای فرد چارچوب و نظام ارزشی مثبت تری را ایجاد می کند ، افراد می توانند در سایه این نظام ارزشی مثبت و اطمینان بخش ، ادراک بهتری از خود، احساسات خود، وقایع ، رویدادها و روابط خود داشته باشد. همین امر باعث ایجاد آرامش و نشاط در فرد می گردد. سانتوس(۲۰۰۶) معتقد است که تجربه درونی شادی پایدار و رضایتمند می تواند اعتماد به نفس ،خوش بینی و خود کار آمدی ،تفسیر مثبت از دیگران ،خون گرمی،فعالیت و انرژی و رفتارهای هماهنگ با جامعه و امنیت و سلامت جسمی و انطباق مناسب با چالشها و فشارها و رفتارهای هدفمند را افزایش می دهد.زینعلی و ستوده ناورودی (۱۳۹۱) در بررسی امید، شادکامی،کیفیت زندگی و سلامت روانی دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که شادکامی می تواند کیفیت زندگی را پیش بینی کند و یکی از عوامل موثر در ارتقاء کیفیت زندگی است. آندرسون (۲۰۰۰) معتقد است که افراد شاد تمایل دارند خود و دیگران را مثبت ببینند و وقایع را مثبت تفسیر نمایند .آنان به شکست، زیاد فکرنمی کنند و از فرصتهایی که به دست می آورند تصمیمات منطقی و درست می گیرند و خوشبینی واقع بینانه به وقایع دارند. نتایج پژوهش دینرا و همکاران (۲۰۱۱) در زمینه تاثیر مذهب بر شادکامی است ، حاکی از تاثیر گذاری مذهب بر میزان شادکامی می باشد. نتایج نشان داد که مذهبی بودن موجب افزایش شادی در افراد شده و افراد مذهبی از شادی و شادکامی بیشتری در زندگی برخوردارند و از بهزیستی روانی و کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند.

مجموع، پژوهشها و تحقیقات مربوط به شادی، نشان دهنده آن است که افراد شاد از نظر ساختار فکری، قضاوت وانگیزش با افراد ناشاد تفاوت دارند و از بازدهی فردی، خانوادگی، شغلی، تحصیل یواجتماعی بالاتری برخوردار هستند (لیوبومیرسکیو همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین افراد با هوش معنوی که هیجانانگ مثبت بیشتر را تجربه می کنند شادتر بوده و متعاقب آن احساس بهتری در ارزیابی زندگی خود داشته و در نتیجه کیفیت زندگی بالا تری را تجربه می کنند با توجه به نتایج آماری بین بهزیستی روانشناختی با شادکامی همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش؛ بهزیستی روانشناختی شادکامی کارمندان نیز افزایش می یابد

تحقیقات دینرا و همکاران (۲۰۱۱) که در زمینه تاثیر مذهب بر شادکامی است و حاکی از تاثیر گذاری مذهب بر میزان شادکامی می باشد. نتایج نشان داد که مذهبی بودن موجب افزایش شادی در

افراد شده و افراد مذهبی از شادی و شادکامی بیشتری در زندگی برخوردارند. و از بهزیستی روانی و شادکامی بالاتری برخوردارند

همانطور که نتایج نشان می دهد، متغیرهای بهزیستی روانشناختی و هوش معنوی معنی دار هستند و با توجه به مقدار استاندارد شده Beta می توان گفت هر واحد تغییر در بهزیستی روانشناختی موجب ۰/۷۲۹ تغییر و هر واحد تغییر در هوش معنوی موجب ۰/۲۱۰ تغییر در متغیر شادکامی می شود. ضرایب Beta استاندارد در واقع اهمیت هر کدام از متغیرها در مدل را نشان می دهد. معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ درصد بیان کننده این است که ضرایب متغیرها صفر نیستند و در مدل رگرسیونی تأثیر گذارند.

در این قسمت به محدودیت هایی که محقق ناگزیر با آنها مواجه بوده است، اشاره می شود: جامعه آماری پژوهش گروه یا طبقه خاصی از جامعه را در برمی گیرد. لذا امکان تعمیم نتایج آن به کل جامعه دانشجویان ممکن است امکان پذیر نباشد. از آنجایی که این پژوهش در جامعه دانشجویان انجام گرفته، احتمال تعمیم به سایر گروهها و جوامع را ندارد. نمونه مورد مطالعه از نظر سطح تحصیلات، مسائل مالی و اقتصادی و غیره تا حدودی همگن بوده است که این مساله تعمیم پذیری نتایج را در سایر جوامع کمرنگ تر می کند.

با توجه به محدودیت های پژوهش پیشنهادهای زیر قابل طرح است ۱- این پژوهش در مناطق مختلف کشور و در دانشگاههای دیگر اجرا گردد تا بتوان به نتایج کلی تری دست یافت. پیشنهاد می شود پژوهش مشابه بر روی دانشجویان از هر دو جنس اجرا گردد. توجه به رابطه مثبت و همبستگی بالای هوش معنوی با شادکامی و کیفیت زندگی، پیشنهاد می شود که با برنامه های آموزشی در جهت پرورش هوش معنوی افراد را توانمند کرده و گامی در جهت داشتن زندگی با کیفیت تر برداشت.

## منابع:

- آرگایل، مایکل (۱۹۸۹). روان شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی، حمید نشاط دوست، مهرداد کلانتری ۱۳۸۳، چاپ سوم، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- باقری، فریبرز. اکبری زاده، فاطمه. حاتمی، حمیدرضا. حاجیوندی، عبدالله. (۱۳۹۰). ارتباط بین هوش معنوی، سخت رویی و سلامت عمومی در بین پرستاران. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود). ۱۵.۶. ۴۶۶-۴۷۲.
- باقری فریبرز، اکبری زاده فاطمه، حاتمی حمیدرضا. (۱۳۹۰). رابطه بین هوش معنوی و شادکامی و متغیرهای دموگرافیک در پرستاران بیمارستان فاطمه الزهرا و بنت الهدی شهرستان بوشهر. طب جنوب. ۱۴ (۴): ۲۶۳-۲۵۶.
- پاییزی، مریم، شهرآرای، مهرناز؛ فرزاد، ولی اله و صفایی، پریوش (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش ابراز وجود بر شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دوم رشته علوم تجربی دبیرستان های تهران. مطالعات روانشناختی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا. دوره ۳. شماره ۴.
- حاجی زاده میمندی، مسعود و برغمندی، مهدی. (۱۳۸۹). رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت از زندگی در بین سالمندان. سالمند (مجله سالمندی ایران). ۵. ۱۵.
- حسینی، سید محمود. (۱۳۸۹). بررسی اثر بخشی آموزش هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی هیجانی بر سلامت عمومی، شادکامی و انگیزه پیشرفت دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهرستان مینودشت در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد تنکابن.
- خدایاری فرد، محمد، عابدینی، یاسمین". (1386) مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- دستغیب و همکاران، هوش معنوی و شادکامی در دانشجویان، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، ۳۴۶، ۱۳۹۱-۳۴۷.



- ربیعی ، مهدی. طاهر نشاطدوست ، حمید. شریفی، احسان. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین شادکامی و گرایش‌های معنوی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایگاه اطلاع رسانی اسلامی سراسری پارسا. ۸۵-۹۵.
- رجایی، علیرضا. (۱۳۸۹). هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها. پژوهشنامه تربیتی. ۵(۲۲):۲۱-۴۹.
- زارع بهرام آبادی مهدی، اصغرنژاد فرید علی اصغر، بهاری فرشاد، چمی محبوبه. (۱۳۹۰). نقش روزه داری اسلامی در قرآن بر هوش معنوی و شادکامی روزه داران. قرآن و طب. ۱. ۳. ۸-۸۲.
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. فصلنامه سلامت روان. ۱. ۱. ۱۴-۱۸.
- عابدی قلیچ قشلاقی، میلاد و همکاران، مقایسه کیفیت زندگی و شادکامی در دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، ۱۳۹۱، ۵۹۷، ۵۹۹-۵۹۹.
- عطاری، نسرين. معصومه ،دل آرام. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر رفتار درمان شناختی بر روش‌های مقابله‌ای دانشجویان غیرپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد.
- عناصری مهیار. (۱۳۸۶). رابطه بین سلامت روان و شادکامی دانشجویان دختر و پسر. اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی). ۲. ۶. ۷۵-۸۴.
- غباری بناب ، باقر. سلیمی ، محمد. سلیمانی ، لیلان. و نوری مقدم ، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی . فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی. ۱۰. ۱. ۱۲۷-۱۴۷.
- فرحبخش، سعید و همکاران، رابطه سلامت روانی و برخی متغیرهای زمینه‌ای در دانشجویان دانشگاه لرستان، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۷، ۱۳۸۴، ۳، ۱۵۲-۱۶۲.
- لشتی، لیلان، سعادت‌تی، همین، رابطه هوش معنوی و شادکامی دانشجویان، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، ۸۱۷، ۱۳۹۱، ۸۱۸.
- مظفری، شهباز. هادیان فرد، حبیب. (۱۳۸۳). مروری بر شادمانی و همبسته‌های آن. فصلنامه حوزه و دانشگاه. ۱۰. ۱. ۴۱. ۸۴-۱۰۵.
- یعقوبی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی، پژوهش در نظام آموزشی، ۸۵، ۹، ۴۹-۹۵.

- Ahmad, F., binti Muhammad, M., & Abdullah, A. A. (2011). Religion and spirituality in coping with advanced breast cancer: Perspectives from Malaysian Muslim women. *Journal of Religion and Health*, 50(1), 36–4.
- Amram, jeseoph yosi, (2008),”The contribution of emotional& spiritual intelligence to effective business leadership”, for the degree of doctor of philosophy in clinical psychology. Institute of transpersonal psychology pal alto, California.
- Amram, Joseph (Yosi), 2005, *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*, Institune of Transpersonal Psychology.
- Anderson, K.I., Burchardt, c.s. (1999). conceptualization & Measurement of quality life as and outcome variable for health care intervention and research. *Journal of Advanced Nursing*, 293-306.
- Anderson, B., Harkness, K, L., Frank, E., Houck, P, R., Luther, J., Kupfer, D, J., (2002). Dose interpersonal psychotherapy protects women from depression in the face of stressful life events? *J consulting and clinical psychology*. 70: 908- 915.
- Cohen S., & Pressman, D.S. (2005). Does positive affect influence health? *Carnegie Mellon University. Psychological Bulletin* 2005 by the American Psychological, 131 (6), 925- 971.
- Diener, Ed. (200۲). Subjectiv well -being : the science of happiness and a peroposal for national index *American psychology*. 55, 34-43.
- Diener, Ed; Tay, Louis; Mayers, David G. (2011). The religious Paradox: if religious make s people happy, why are so many dropping out ? *jornal of prsonality and social psychology*, 101 (6). 1278 – 1290.
- Edward C.A. (2003). Response to the Spiritual Intelligence Debate: Are Some Conceptual Distinctions Needed Here?, *The international journal for the psychology of religion*, 13(1), 49-52.

- Kend, K. (2006). Happiness and related factors in pregnant women, deparment of psychiatry, faculty of mediene, chulalongkorn university, Bangkok, Thailand.
- Ke-Ping Yang & Xin Juan Wu. (2009) Spiritual intelligence of Nurses in Two Chinese social systems: A cross sectional comparison study Journal of nursing research, volume 17- Issue 3- PP-189-198.
- King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: differentiation, model, Ontario: tern university.
- lelkes o. (2006). Tasting freedom : happiness religin and economic transition. Journal of Economic Behavior and organization, 59, 2. 173-194.
- Lyubomirsky, S., Sheldon, K.M., & Schkade, D. (2005) pursuing happiness: the architecture of sustainable change. The General psychology. 9(2). 111- 131.
- Mayer, J.D. , & salovey , P. ( 1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D.J. sluyter ( Eds). Emotional development and emotional intelligence: Educational implications . New York : Basic Books .
- Meyers, D.(2001). The friends, funds, and faith of happy people. American psychology, 55(1), 56- 67.
- Wolman, R.R. (2001). Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters. New York: Harmony.
- Wong KF, Yau SY. (2010). Nurses' experiences in spirituality and spiritual care in Hong Kong. Applied Nursing Research, 23(4), 242-4.
- Zohar, D. & Marshall, L. (2000). SQ: Spiritual Intelligence: The Ultimate Intelligence. New York, NY, USA: Bloomsbury

